

## ✳ آیا پرداخت شهریه کار درستی است؟

بعضی وقت ها روایاتی می بینیم که **ائمه مشغول کشاورزی** هستند، یا مثلاً امام علی علیه السلام چندین چاه و قنات را حفر کردند، بعد با خودمان فکر می کنیم پس ما طلبه ها هم باید برویم سراغ کشاورزی و یا هر شغل دیگری، تازه به خودمان هم می گوئیم، کار که عار نیست.

اما شاید این جمله که کار، عار نیست، برای کسانی باشد که شهریه دریافت نمی کنند یا به عبارت دیگر ما طلاب که داریم از خمس مردم و سهم امام زمان استفاده می کنیم پس نسبت به امام زمان و مردم مسئول هستیم باید در راه امام زمان خدمت کنیم و این عمری که در راه تحصیل گذاشته ایم را جواب بدهیم و باید در قبال مردم هم، ارائه خدمت داشته باشیم. پس نمی شود بگوئیم طلبه باید دست به هر کاری بزند چون مسافرکشی کردن و پیک موتوری شدن هم از دست یک جوان ۲۰ ساله بی سواد برمی آید ولی مردم را به راه راست هدایت کردن فقط از یک طلبه باسواد و خوش فکر برمی آید.

حتی طلبه ای که برق کشی بلد هست نباید دنبال برق کشی برود زیرا این کار هم از یک جوان ۲۰ ساله برمی آید و طلبه باید به دنبال کار طلبگی خودش برود.

**بعضی از مردم عقیده دارند که روحانیت بودجه مخصوص (شهریه) نمی خواهد،** طلاب باید مانند سایر طبقات مردم کار و شغل و منبع درآمدی برای خود داشته باشند، از دسترنج شخصی خود زندگی کنند، قسمتی از وقت خود را صرف تهیه امر معاش و قسمت دیگر را صرف شئون طلبگی از تحصیل، تحقیق، تالیف، تدریس و تبلیغ بنمایند.

این عده معتقدند که روحانیت و شئون روحانیت در اسلام **یک شغل و حرفه مخصوص** نیست که بشود برای او بودجه مخصوصی در نظر گرفت، هرکس که قادر است ضمن تامین امر معاش خود عهده دار شئون طلبگی بشود حق دارد وارد بشود و اگر کسی می خواهد این شئون را بعهده بگیرد و آن گاه کل بر اجتماع گردد بهترین است که از اول وارد چنین مجاهده ای نشود.

استدلال این عده این است که در صدر اسلام، یعنی زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و زمان ائمه اطهار علیهم السلام اشخاصی بودند که همین وظایف را به عهده داشتند، حلال و حرام یاد می دادند، نصیحت و موعظه می کردند، در حوزه های درس شرکت می کردند و خودشان حوزه درس داشتند، در عین حال هر کدام از آن ها شغل و حرفه ای برای زندگی خود داشتند.

بسیاری از آن ها با عنوان شغل و حرفه خود از قبیل تمار، عطار، بزاز، خزاز، حذاء و غیره در کتب حدیث، فقه و تاریخ شناخته می شوند، هیچ دیده نشده که رسول خدا یا ائمه اطهار یک یا چند نفر را دستور داده باشند از همه کارها دست بکشند و منحصرأ به مشاغلی که امروز مشاغل روحانی نامیده می شود از قبیل افتاء، تدریس، امامت جماعت، وعظ، تبلیغ و غیره بپردازند.

کار معیشت را نمی توان ساده گرفت، یک رکن از ارکان اساسی حیات است، اگر مختل باشد در سایر شئون حیات اثر می گذارد. از جمله مختصات اسلام این است که، نقش موثر امر معاش را به دقت مورد توجه قرار داده است. تا آن جا که برخی پنداشته اند اسلام نظریه زیربنا بودن اقتصاد را گردن نهاده است. مکتب واقع بین و واقع گرای اسلام، اقتصاد را زیربنا نمی داند، اما نقش اساسی آن را نیز نادیده نمی گیرد. اسلام اصلاح امر معاش را در همه سازمان های بزرگ و کوچک اجتماعی شرط لازم می شمارد نه شرط کافی، این است که می گوئیم: کار معیشت را نمی توان ساده گرفت، یک رکن از ارکان اساسی حیات است. اگر مختل باشد در سایر شئون حیاتی اثر می گذارد.

## با توجه به این مقدمه باید گفت:

حقیقت این است که اگر افرادی زندگی خود را از راه دیگر تامین (البته نه از هر راهی، بلکه راهی که طلبگی باشد، به عبارت دیگر نباید از راه مسافرکشی زندگی خود را تامین کنیم، باید از راهی که در شان طلبه و جایگاه روحانیت باشد مثل تدریس، تبلیغ و...) و با این حال متصدی شئون روحانی بشنود بسیار خوب است، همیشه افراد کمی از این قبیل بوده و هستند، اما نمی توان گفت همه افراد باید این چنین باشند و در غیراین صورت وارد نشوند، زیرا با تغییراتی که در وضع زندگی مردم نسبت به صدر اسلام پیدا شده و با توسعه ی روزافزون علوم و احتیاجات، ضرورت دارد گروهی همه ی عمر ممحض باشند برای تحصیل و اداره شئون دینی مردم، و ناچار بودجه مخصوصی (شهریه) لازم است که با طرز صحیحی در این راه مصرف شود.

در صدر اسلام احتیاج این قدر نبوده، عقده ها و شبهات و همچنین معاندین و دشمنان اسلام این قدر نبوده اند. ضرورت دارد همیشه گروهی باشند. آری انصاف این است که برخی شئون روحانی که فعلا معمول است از قبیل امامت جماعت نه یک شان مخصوص روحانی است و نه کسی حق دارد آن را بهانه قرار داده و دست از هر کار و شغل و خدمتی بکشد و در انتظار موقع نماز بماند و مسجدی برود و برگردد و زینت مجالس ختم باشد و این ها را شغل شاغل خود قرار دهد و عمری کل بر اجتماع بوده باشد.

به هر حال این جمود فکری است که صرفا به حکم این که چیزی در صدر اسلام نبوده اکنون هم که احتیاج و ضرورت ایجاب می کند نباشد.

مشاهده سایر مطالب مرتبط با طلبگی

**برای مشاهده دیگر مقالات خودشناسی کلیک کنید**